



طلابه:

سالروز میلاد پیامبری است که نه شادی‌های میلادش پرزرق و برق است و نه عزاداری‌های وفاتش پر از شکوه و جلال؛ پیامبری که پیرو او هستیم بی آنکه حتی چند جمله از او شنیده باشیم؛ پیامبری که دستانش خالی از سحر بود تا به ما بیاموزد که انتظار معجزه داشتن بیهوده است، پیامبری که پرتلاش و صبور بود تا بیاموزد که بدون تلاش و صبر نتیجه‌ی حاصل نخواهد شد...

کلیدواژه‌ها: میلاد - پیامبر - معجزه - آزادی - ظلم - پیروان راستین

پیامبری که هیچ گاه در کنج خانه نشست و به وردی و دعایی دل خوش نکرد، پیامبری که خدا را به ناله و اشک در پستوی مساجد نمی‌جست، پیامبری که وقتی زورگویان و ددمنشان را می‌دید که در عزم ربودن آزادی و سرمایه و سلامت خلقند، از بانگ زدن و غیرت ورزیدن و عتاب کردن، هیچ ابایی نمی‌ورزید با اینکه می‌دانست که فریادش شاید تنها تار و پودهایی اندک از پرده ستبر جور ظالمان و نادانی مردمان را بگسلد... برآستی ما پیروی این پیامبریم یا پیامبر دیگری که برایمان ساخته‌اند، پیامبری که تعلیم داده کنج خانه نشستن و انتظار معجزه داشتن را، کوششی نکردن و در انتظار نتیجه بودن را، و برای آرام ساختن خود و توجیه خویش، به وردی و دعایی دل خوش داشتن، در پای ضریحی سرد بر گور مجهولی خدا را جستن، به سکه ناچیزی ایمان یافتن، احساس مؤمن بودن...

ما به دینی مؤمنیم که خودمان ساخته‌ایم نه به دین پیامبری که می‌گفت: «نومید و زیان کار شدند... یارانش پرسیدند: چه کسانی یا رسول الله؟ گفت: آنان که از سر کبر و غرور دامن کشان گام بسپارد؛ و کسی که بوسیله چیزی که بخشید منت گذارد؛ و کسی که کالای خود را در برابر قسم دروغ ترویج کند». و نیز گفت: «اگر فال بد زدی، به کار خود ادامه بده و اگر گمان بد بردی، فراموش کن و اگر حسود شدی خوددار باش». و نیز گفت: «پس از بت پرستیدن، آنچه به من نهی کرده‌اند، درافتادن با مردم است.»

پس ما که هم گرفتار کبر و غروریم، هم منت و فخر، هم قسم دروغ، هم اعتماد به فال و استخاره، هم بدگمانی، هم حسادت، هم درافتادگی تمامی مردمان با یکدیگر و هزاران رفتار و پندار دیگر، بدون تردید از امت او خارج شده‌ایم یا شاید دینمان گرفتار آفات شده. پیامبر می‌گوید: «آفت دین من سه چیز است: فقیه بدکار، پیشوای ظالم و مقدس نادان». و ما باید بر سر این ستم پیشگان که در حق پیامبر خاتم چنین ستم روا داشته‌اند و دروغ به او بسته‌اند، فریاد برآوریم. اما دریغ... «هر زمان که امت من از بانگ زدن بر روی ظالم عاجز شود مرگ آن فرا رسیده است...» «چون ظالم را ببینید و هر دو دستش را از ظلم بازندارید، نزدیک است که خدا همگی شما را گرفتار عذاب نماید...»

خدایا ما بواسطه همه اینها شایسته عذابیم و تو هنوز سایه رحمتت را از فرازمان برنچیده‌ای، پس ما را پیروان راستین آن پیامبر قرار ده تا غل‌ها و زنجیرها را از دست و پای خویش بیرون کنیم و در راه استوار تو قرار گیریم، به منت و کرم همیشگی‌ات.

